

بهدنیا آدمم. به دنیا آمد. پس آغاز می گردد. ادامه پیدا می کند. زندگی ام دوام می یابد. آدمها به من خیره می شوند، چیزهایی زمزمه می کنند، نیشخند می زنند. ویژگی همیشگی آنها و نفرین ابدی من. در مکان کوچک بدون دیواری هستم، بی سقف. نقطه ای سیاهی در یک سقف یا کف زمین؟ غیرقابل رویت. گمان کنم اتاق کف هم دارد، باید همین باشد. این جا هم مثل سقف غیرقابل رویت است. دیوارها تا بالادست رفته اند، چرا که هوا تیره و تاریک است. آیا شب است؟ برای مدتی شب پایدار می ماند و دوباره شب است. صدهای شبانه همیشه با من هستند. همچون صدای دریا، دریایی در دوردست. دریا قطره قطره در گوش هایم می چکد، نمی توانم از آن جا خارج شان کنم، نمی توانم سرم را تکان بدهم، گردنم را با میله ای فلزی بسته اند. نمایش و خنده ادامه دارد.

آدم کش ها

هاج

بهدنیا آدمم. به دنیا آمد. پس آغاز می گردد. ادامه پیدا می کند. زندگی ام دوام می یابد. آدمها به من خیره می شوند، چیزهایی زمزمه می کنند، نیشخند می زنند. ویژگی همیشگی آنها و نفرین ابدی من. در مکان کوچک بدون دیواری هستم، بی سقف. نقطه ای سیاهی در یک سقف یا کف زمین؟ غیرقابل رویت. گمان کنم اتاق کف هم دارد، باید همین باشد. این جا هم مثل سقف غیرقابل رویت است. دیوارها تا بالادست رفته اند، چرا که هوا تیره و تاریک است. آیا شب است؟ برای مدتی شب پایدار می ماند و دوباره شب است. صدهای شبانه همیشه با من هستند. همچون صدای دریا، دریایی در دوردست. دریا قطره قطره در گوش هایم می چکد، نمی توانم از آن جا خارج شان کنم، نمی توانم سرم را تکان بدهم، گردنم را با میله ای فلزی بسته اند. نمایش و خنده ادامه دارد.